

# پیوندهای آوایی و شعر عباس یمینی شریف

اسدالله شعبانی

برآمده بود، متأثر از تحولات اجتماعی، رشد و رونق گرفت.

بدیهی است که این اتفاق به یکباره روی نداد، بلکه به همان گونه که از آغاز مشروطه، شعر فارسی در کار نو شدن و پوست انداختن است، از راه‌های سنگلاخی گذشته و گاه در مانداب بیابیه‌های اجتماعی فرو افتاده، سپس صیقل خورده و صافی یافته است، شعر کودک نیز در آغاز، راهی ناهموار پیموده و از گزندها و آسیب‌ها برکنار نمانده است.

## باغچه‌بان و یمینی شریف، نقطه‌های عطف در شعر کودک

بی‌گمان در تحول شعر کودک در ایران، باغچه‌بان و سپس یمینی شریف نقش مؤثری داشته‌اند. این هر دو شاعر که پیشه آموزگاری داشتند، توانستند در ارتباط نزدیک با دنیای کودکان، شعر را از دنیای بزرگسالانه به سرزمین خردسالان ببرند.

پیش از این، آنچه برای کودکان و در واقع به بهانه کودکان سروده می‌شد و به کتاب‌های درسی کودکان نیز راه می‌یافت، شعرها و عموماً نظم‌هایی بود ساده شده از دنیای بزرگسالان که

شعر امروز کودک که بر بالیده و شاخه گسترده است، بی‌تردید قوام و دوام خود را مدیون کوشندگانی است که دیرزمانی از زندگی خود را در این پهنه، به جست‌وجو سپری کرده‌اند. یکی از این کوشندگان، زنده‌یاد عباس یمینی شریف است.

دامنه فعالیت‌های یمینی شریف بسیار گسترده است؛ از اداره مدرسه فرهاد و مؤسسه نشر روش نو گرفته تا همکاری با شورای کتاب کودک و تألیف و ترجمه متون آموزشی، راه‌اندازی و اداره مجلات کودکان و مهم‌تر از همه این‌ها سرودن شعر، نیم قرن فعالیت‌های او را در برمی‌گیرد. با این همه، یمینی شریف را با عنوان شاعر کودکان می‌شناسیم. کوشش‌های فراگیر و پیگیر او در مطرح کردن و پایه‌گذاری شعر کودک، بر کسی پوشیده نیست. اصولاً رویکرد به کودک و ادبیات او، رویکردی روشنفکرانه بوده است. از همان سرآغاز انقلاب مشروطه، نخبگان جامعه ایرانی، در پی دستیابی به آزادی، با تعریف تازه‌ای بودند که از مفهوم ملت و دولت به گوش‌شان خورده بود. آنان کودکان را به عنوان بخش قابل توجهی از ملت مورد توجه ویژه قرار دادند. در نتیجه، ادبیات و شعر کودک که از دامان ادبیات مردمی

با زبانی آموزگارانه، به تعلیم کودکان می‌پرداخت. مهدی قلی خان هدایت، یحیی دولت‌آبادی و حتی نام‌آورانی چون ایرج و بهار، نمی‌توانستند از چنبره ادبیات رسمی، به دنیای رنگین و آهنگین کودکان راه پیدا کنند. نمونه‌هایی از آثار این شاعران، نشان می‌دهد که آنان به لحاظ کمی و کیفی، نتوانستند چیزی قابل قیاس با آن‌چه در بستر ادبیات عامه برای کودکان فراهم می‌آمد، تولید کنند. این گونه آثار، عمدتاً در برگزیده آموزه‌های رایج عصر، در قالبی نظم‌واره بود و کم‌تر از زبان شاعرانه و نگاه کودکان بهره داشت. این نظم‌واره‌ها با همان ذهن و زبان قدمایی، بی‌توجه به نیازها و امکانات مخاطبان خردسال، ساخته و پرداخته می‌شد:

شب تاریک رفت و آمد روز

و ه چه روزی چو بخت من پیروز

آفتاب ستارگان، امروز

از افق سر برون نکرده هنوز

باز شد دیدگان من از خواب

پدبه از آفتاب عالمتاب...

(برشی از شعر یحیی دولت‌آبادی ۱۳۴۱-۱۳۱۸)

خورشیدی)

ما که اطفال این دبستانیم

همه از خاک پاک ایرانیم

همه با هم برادر وطنیم

مهربان، هم‌چو جسم با جانیم

اشرف و انجب تمام ملل

یادگار قدیم دورانیم

وطن ما به جای مادر ماست

ما گروه وطن پرستانیم...

(برشی از شعر ایرج میرزا ۱۳۹۰-۱۳۴۴ هـ ق)

ما همه کودکان ایرانیم

مادر خویش را نگهبانیم

همه از پشت کیقباد و جمیم

همه از نسل پور دستانیم

زاده کورش و هخامنشیم

بچه قارون و نریمانیم

پسر مهرداد و فرهادیم

تیره اردشیر و ساسانیم

ملک ایران، یکی گلستان است

ما، گل سرخ این گلستانیم...

(برشی از شعر بهار ۱۲۶۵-۱۳۳۰ خورشیدی)

در این میان جبار باغچه‌بان، با تأثیرپذیری از ادبیات فولکلوریک فارسی و ترکی، به ویژه آثاری چون هوپ هوپ نامه علی اکبر صابر و نیز با شناخت عمیقی که از دنیای پر رمز و راز کودکان به دست آورده بود، برای نخستین بار برای آنان ترانه‌هایی سرود که نشان می‌داد از آن‌چه پیش از این برای کودکان عرضه می‌شد، متفاوت است. این تفاوت، بیش از همه در بازی‌های کلامی خود را به نمایش می‌گذارد:

۱- من جوجه را گرفتم

او را بوسیده، گفتم:

جوجه، جوجه طلایی

نوکت سرخ و حنایی

تخم خود را شکستی

چگونه بیرون جستی؟...

(برشی از شعر جبار باغچه‌بان)

هر زمان که من، می‌کنم صدا

کبوتر من، کبوتر من

بال می‌زند، می‌پرد هوا

کبوتر من کبوتر من

(برشی از شعر باغچه‌بان)

آن‌چه در شعرهایی از این دست به چشم می‌خورد، غلبه بازی بر محتوای آموزشی شعر

### دو جریان موازی که در نقطه‌ای به هم می‌پیوندند

باغچه‌بان و به تبع او یمینی شریف، با رویکرد به ادبیات عامه و بهره‌گیری از عناصر فرهنگ مردم کوچه، توانستند جریانی متفاوت از ادبیات رسمی برای کودکان ایجاد کنند. در بستر ادبیات رسمی هم کوشش‌های ارزنده‌ای شد و شاعرانی چون محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی، توانستند با تأثیرپذیری از وزن‌های نوجویانه در شعر امروز فارسی، نگاهی به شعر کودک هم بیندازند؛ به خصوص محمود کیانوش به اعتبار آثار ارجمندی که هم به لحاظ کمی و هم به سبب کیفی در این زمینه فراهم آورده، توانست تحولی بنیادی در شعر کودک ایجاد کند. در شعرهای کیانوش، ادبیت و کودکانگی و به عبارتی دیگر پیوندهای آوایی و معنایی، تناسبی به هم رسانده است و هویتی مستقل به شعر کودک می‌دهد. هر چند در یک چشم انداز وسیع، ادبیت شعرهای اندیشمندانۀ کیانوش، کودکانگی آن را تحت‌الشعاع قرار داده است:

در باغ شب شکفتی  
 ای غنچه طلایی  
 کردی اتاق را پر  
 از عطر روشنائی  
 با آن که ماه تابد  
 در آسمان شب‌ها  
 روشن نمی‌شود خوب  
 از او جهان شب‌ها  
 در آسمان این سقف  
 خورشید این اتاقی  
 مانند یک گل زرد  
 آویخته به طاقی ...

است. آشکارا می‌توان دریافت که در این گونه سروده‌ها، شعر کودک صرفاً ابزاری برای آموزش علم و اخلاق به کودکان نیست. بازی‌های کلامی و توجه به مضمون‌های برگرفته از محسوسات و ملموسات دنیای کودک، موجب شده است تا محتوای آموزشی به گونه‌ای غیر مستقیم ارائه شود.

در چنین هنگامی، یمینی شریف روی به شعر کودک می‌آورد. او نخست به تقلید از شعرهای مرسوم کودک که در کتاب‌های درسی چاپ می‌شود، شعرهایی می‌سازد و سپس با تأثیر از سروده‌های باغچه‌بان، می‌کوشد بیش از پیش به دنیای کودکان نزدیک شود. صرف‌نظر از آنچه شاعر برای نوجوانان ساخته و پرداخته، می‌توان گفت مهم‌ترین و ماندنی‌ترین کارهای او، شعرهایی است که برای خردسالان گفته است. همین شعرهاست که با پسند عمومی، چه از سوی کودکان و چه از سوی اولیای آنان، روبه‌رو شده است. نگارنده پیش از این در مقاله کوتاهی، تعدادی از شعرهای یمینی شریف را به عنوان بهترین‌های شعر کودک آورده که عبارتند از:

«کتاب»، «درخت»، «کشتی»، «خروس جنگی»، «فرزندان ایران».

هنوز هم بر این باورم که این شعرها بهترین شعرهای شاعر است. در این شعرها شاعر از نظم رایج، یا فراتر نهاده و به زبان شعر نزدیک تر شده. بعضی از این شعرها به سبب موضوع و گاه زبان، مناسب کودکان خردسال نیست، ولی کودکان خردسال این شعرها را در کودکان‌ها می‌خوانند. برای مثال، باید به شعر «فرزندان ایران» اشاره کرد که در این شعر از استعاره و مجاز و حتی مفاهیم انتزاعی استفاده شده و قاعدتاً قابل درک کودکان خردسال نیست، اما آن‌ها این شعر را عموماً از حفظ هستند و دوست دارند.

(برشی از شعر چراغ، محمود کیانوش - بچه‌های جهان)

دانه‌دانه ریخت باران  
روی بام و روی ایوان  
روی حوض خانه ما  
ریخت باران شاد و خندان

با سرود نرم باران  
نارون از خواب باشد  
چشم خواب‌لود نرگس  
با نسیم صبح وا شد

آب حوض خانه ما  
از یخ نازک رها شد  
کاشی فیروزه رنگش  
جایگاه مرغ‌ها شد

باز شد گنجشک زیبا  
بر درخت خانه مهمان  
پر زد این سو خواند آن سو  
جیک جیک آمد بهاران  
(از پروین دولت‌آبادی، بر قایق ابرها)

با این همه، جریان‌هایی که کیانوش و پروین دولت‌آبادی در شعر کودک ایجاد کردند، گامی مهم در جهت تکامل شعر کودک بود و می‌کوشید شعر کودک را از نظم و آهنگی، به شاعرانگی نزدیک کنند. کوشش‌های ارزنده محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی که هر دو شاعرتر و به عبارتی ادیب‌تر بودند، منشأ تحول و دگرگونی زیادی در شعر کودک شد؛ به ویژه تأثیر کیانوش بر شاعران پس از خود، بسیار چشمگیر بوده است. کیانوش در کتاب «شعر کودک در ایران» که

مباحث نظری او را درباره شعر کودک دربردارد، با انتقاد از یمنی شریف، شعر او را فاقد ادبیت می‌پندارد. برعکس او، یمنی شریف در مقدمه نیم قرن شعر کودک در ایران، به طور سربسته، به این موضوع اشاره کرده، نظم را اعم از شعر دانسته و از نظم وارگی شعرهای خود دفاع کرده است.

صرف‌نظر از این که دیدگاه کدام‌یک به حقیقت نزدیک‌تر است، باید گفت انتقاد کیانوش بیش از همه متوجه محتوای آموزشی در شعر یمنی شریف است که با زبانی مستقیم و شعارگونه به کار آمده؛ و گرنه توجه شاعر به نظم و پیوندهای آوایی کلام، نه تنها از ایرادهای کار او نیست، بلکه از نقاط قوت شعر این شاعر، به ویژه در شعرهایی که برای خردسالان سروده، می‌تواند باشد. این خود از ویژگی‌های سبکی به شمار آمده و به جرأت می‌توان گفت راز گیرندگی و دل‌نشینی این شعرها، حتی در جایی که زبان شعاری و آموزشی، شاعرانگی آن را تحت الشعاع قرار داده، از همین بازی‌های کلامی سرچشمه می‌گیرد.

یمنی شریف در شعرهای نوع «ب»، شاعر کودکان است. شعر او با آیشخوری که از ادبیات عامه دارد و با رنگ و آهنگی که از پیوندهای آوایی و بازی‌های کلامی گرفته، به دنیای کودکان و به ویژه کودکان خردسال نزدیک‌تر است. لاجرم مضمون‌های به کار آمده در این شعرها، عموماً برگرفته از دنیای کودکان و محصول تجربه‌های کار شعر با کودکان بوده و بیش از پیش، شعرهای او را برای خردسالان ملموس و پذیرفتنی کرده است. پیوندهای آوایی در درون خود، از بازی و جادوی کلام و در نتیجه آن، از عنصر خیال‌انگیزی هم بهره دارد و اصولاً خیال‌انگیزی در شعر کودکان خردسال، از این رهگذر خود را می‌آفریند و چندان به پیوندهای معنایی و به کارگیری

است؛ کاری که کیانوش هم با همه انتقادهایی که از یمینی شریف دارد، به آن توجه داشته و دل‌نشین‌ترین شعرهای او نیز نه آن‌هایی است که از عنصر خیال‌انگیزی بهره و ادبیت بیش‌تر دارند، بلکه آن دسته از شعرهایی است که از پیوندهای آوایی و به عبارتی از بازی کلامی، به قدر کافی برخوردار است:

یک گل  
ده گل  
صدها گل  
این‌جا  
آن‌جا  
هر جا  
گل ...

این هر دو جریان، یکی با پشتوانه ادبیات رسمی و دیگری با بن‌مایه‌هایی از ادبیات غیر رسمی و فولکلوریک، پا به پای هم می‌آیند و چون به دنیای کودک می‌رسند، به هم می‌پیوندند و در نقطه تلاقی آن‌هاست که شعر کودک در ایران هویت می‌یابد.

درباره شعر پروین دولت‌آبادی و محمود کیانوش، باید جداگانه و به تفصیل سخن گفت. همین‌طور باید یاد کرد از نام‌هایی ارجمند که هر چند در حاشیه و گاه به تفتن، شعرها و خوانندگی‌های بسیار دلچسبی برای کودکان پرداخته و سهمی تمام در رشد و رونق شعر و ادبیات کودک در ایران داشته‌اند که متأسفانه در بحث از ادبیات و شعر کودک، از آن‌ها کم‌تر نامی به میان می‌آید: م. آزاد، احمد شاملو، منوچهر نیستانی، فروغ فرخزاد، دکتر سرامی، صفورا نیری و نام‌های دیگر که هر کدام با آثاری گران‌بها توانسته‌اند فضاهای خالی ادبیات کودک و به ویژه شعر کودک در ایران را پر کنند و شایسته است کوشش‌های این بزرگواران نیز مورد ارزیابی و نقد و بررسی قرار گیرد.

**یمینی شریف در  
شعرهای نوع «ب»،  
شاعر کودکان است.  
شعر او با آبخوری  
که از ادبیات عامه دارد  
و با رنگ و آهنگی که  
از پیوندهای آوایی و  
بازی‌های کلامی گرفته،  
به دنیای کودکان و به  
ویژه کودکان خردسال  
نزدیک‌تر است**

صناعات شعری نیاز ندارد؛ چرا که در معنا خود بی‌معنایی شعر خردسالان نهفته و حتی مهملات، هیچانه‌ها و صداهای طبیعت، برای این گروه سنی، لبریز از معنی است. البته معنی‌هایی که نه تنها خود کودکان آن‌ها را کشف می‌کنند، خود نیز با همان زبان سخن می‌گویند. پس موسیقی کلام یا به عبارتی کلی‌تر پیوندهای آوایی در شعر خردسالان، نقش و جایگاه برجسته‌تری دارد و موفق‌ترین شاعران کودک، کسانی هستند که بتوانند از آن به گونه‌ای مناسب بهره‌گیری کنند. یمینی شریف، در مسیر تجربه‌های باغچه‌بان، به این جایگاه دست یافته و سروده‌های او، توانسته است با اقبال عمومی جامعه ایرانی، چه کودکان و چه اولیای آنان رو به رو شود. البته نباید ناگفته گذاشت که کوشش شاعر در معرفی شعر خود و هماهنگی او با نظام آموزشی زمان خویش و در نتیجه راهیابی شعرهایش به کتاب‌های درسی، نقش مهمی در این امر داشته، اما یکی از اسباب توفیق این شعرها، همان‌طور که اشاره رفت، توجه ویژه شاعر به پیوندهای آوایی و بازی‌های کلامی

## پیوندهای آوایی در شعر یمینی شریف

پیش از این، در بررسی تحولاتی که از عصر مشروطه به این سو در شعر کودک روی داده، جایگاه عباس یمنی شریف را به سبب نزدیک

### یمینی شریف، در مسیر تجربه‌های باغچه‌بان،

به این جایگاه دست

یافته و سروده‌های

او، توانسته است با

اقبال عمومی جامعه

ایرانی، چه کودکان و چه

اولیای آنان رو به رو

شود. البته نباید ناگفته

گذاشت که کوشش

شاعر در معرفی شعر

خود و هماهنگی او با

نظام آموزشی زمان

خویش و در نتیجه

راهیابی شعرهایش

به کتاب‌های درسی،

نقش مهمی در این امر

داشت، اما یکی از اسباب

توفیق این شعرها،

همان طور که اشاره

رفت، توجه ویژه شاعر

به پیوندهای آوایی و

بازی‌های کلامی است

کردن شعر به دنیای کودکان، از راه به کارگیری بازی‌های کلامی (پیوندهای آوایی) مشخص کرده و او را فراتر از دیگران نشانیدیم. حال، با ارائه نمونه‌هایی از شعرهای او، می‌کوشیم کار کرد این پیوندها را نشان بدهیم.

اصولاً کلام به عنوان ابزار کار شاعر، از دو امکان بهره‌مند است: کارکرد آوایی و کارکرد معنایی. در کارکرد آوایی، ریتم و همه‌گونه مشابیهات و مناسبات لفظی از نوع وزن، قافیه، ردیف، تکریر و ... مد نظر بوده و در کارکرد آوایی همه‌گونه اندیشه و خیال، نقش می‌بندد. بنابراین، شاعر باید بتواند از این دو امکان کلام، به قاعده بهره‌گیری کند. میزان و سطح به کارگیری این همه، بستگی به گروه سنی مخاطبان دارد. هر چه گروه سنی مخاطب کم‌تر باشد، به همان نسبت شعر کودک به پیوندهای آوایی و برعکس، هر چه گروه سنی مخاطب بالاتر باشد، به پیوندهای معنایی نیازمند است.

ناگفته پیداست آن دسته از شاعران و پژوهندگان که می‌بندارند با حذف یکی از این دو امکان کلام، می‌توان، شعر کاملاً بی‌معنا و یا برعکس شعر کاملاً بی‌وزن و قافیه سرود، پاسخ خود را از این مطلب خواهند گرفت. البته برای نوجوانان یا بزرگ‌ترها این قضیه متفاوت است. اصولاً بی‌بهره کردن کلام از امکانات خود و محدود کردن آن به یکی از دو کار کردش، دور از بصیرت می‌نماید؛ کاری که متأسفانه شعر امروز فارسی را به بی‌راهه کشانده است.

### ۱- ریتم و وزن شعر کودک

در کودکانه‌های یمینی شریف، عموماً وزن‌های با پایه‌های کم و در نتیجه مصراع‌های کوتاه به کار رفته. هر پایه وزنی در این شعرها، از ترکیب هجاهای بلند و کوتاه و به ندرت از هجای کشیده

که کیانوش ایراد می‌گیرد و شعر یمینی شریف را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

مدتی بی‌جنب و جوش  
بی‌خبر، بی‌حال و هوش  
داشتم در لانه جای

جوجه‌ای بی‌دست و پای  
مادر از هر جا که بود  
دان فراهم می‌نمود...

(برشی از قصه منظوم پرواز جوجه، نیم قرن در باغ شعر کودکان، یمینی شریف، ص ۱۰۴)

چو ابری بر سر کوهی زراندود

به روی خرمن کاهی، سگی بود.

نظر می‌کرد هر سو ظالمانه

به هر کس بانگ می‌زد بی‌بهبانه...

(از قصه منظوم اسب و سگ، نیم قرن در باغ

شعر کودکان، ص ۱۱۴)

### قافیه و ردیف

در پیوندهای آوایی، علاوه بر وزن و ریتم شعر، قافیه و ردیف اهمیت زیادی دارند. اگر برای کودکان شعر بی‌وزن هم بگوییم، شاید آن را بخوانند، اما بدون قافیه و ردیف و دیگر هماوایی در کلام، شعر کودک بعید است که مورد پسند خردسالان واقع شود.

به همین سبب، شاعران آشنا به کار، در به کارگیری قافیه و ردیف کوتاهی نمی‌کنند و حتی از قافیه و ردیف‌های مرکب، برای بالا بردن جنبه موسیقایی کلام شعر بهره می‌گیرند. اصولاً قافیه در نخستین سال‌های کودکی، مورد توجه قرار می‌گیرد تا جایی که مربیان با آوردن کلمات هم‌قافیه و به عبارتی با قافیه بازی، نخستین درجه ورودی به سرزمین شعر را به روی کودکان می‌گشایند.

عباس یمینی شریف هم با آگاهی از اهمیت

به وجود می‌آید. بنابراین، وزن شعرها در این دست آثار شاعر، ریتمیک و رقص‌انگیز است و نقش مهمی در علاقه کودکان به زمزمه کردن آن‌ها دارد.

برای مثال:

من که خروس سحرم: مفتعلن مفاعلن

ما، گل‌های خندانیم: فع لن فع لن فع

من یک کشتی می‌سازم

فروردین ماه گل‌ها

قد قد قدا قد قد قد: مستفعلن مستفعلن

مورم و دانه می‌برم: مفتعلن مفاعلن

گریه نکن جان دلم

من یار مهربانم: مفتعلن فعولن

شد ابر پاره پاره

ما کودکانیم: مستفعلن فع

مهینه و مهینه: مفتعلن فعولن

من که از گل بهترم: فاعلاتن فاعلن

در این شعرها، هر مصراع (یک واحد شعر)، از دو پایه وزنی تجاوز نمی‌کند. در هر پایه هم معمولاً ترکیب هجاهای کوتاه و بلند، طوری است که وزن شعر ریتمیک و پر تحرک است، بدیهی است هر چه هجاهای کوتاه در یک پایه وزنی بیش از دو هجای دیگر باشد، عبارت شعری ریتمیک‌تر و در نتیجه به ذائقه کودکان خردسال خوش آیندتر خواهد بود. از این منظر، می‌توان گفت مخاطبان شعرهای عباس یمینی شریف، خردسال هستند و تا اندازه‌ای کودکان، اما نوجوانان چیزی از دنیای خود را در آینه شعر این شاعر نمی‌بینند؛ به خصوص آن دسته از شعرها که ظاهراً برای نوجوانان سروده شده و گاه به صورت قصه یا روایت منظوم ارائه گردیده، به سبب ضعف تألیف و زبان و بیان غیر شاعرانه، تنها از جهت مایه داستانی می‌تواند مورد نظر قرار گیرد و این درست همان چیزی است

قافیه و ردیف، شعرهای کودکانه خود را همواره با این دو عامل آراسته است:

مورم و دانه دانه می برم  
 دانه به لانه می برم  
 دنگ، دنگ دنگ می زرم  
 به سینه ام سنگ می زرم  
 زنگ زنگ زنگ می زرم  
 زنگ خوش آهنگ می زرم  
آباد باشی ای ایران  
آزاد باشی ای ایران  
 از ما فرزندان خود،  
دلشاد باشی ای ایران

مخاطبان شعرهای عباس یمینی شریف، خردسال هستند و تا اندازه‌ای کودکان، اما نوجوانان چیزی از دنیای خود را در آینه شعر این شاعر نمی‌بینند؛ به خصوص آن دسته از شعرها که ظاهراً برای نوجوانان سروده شده و گاه به صورت قصه یا روایت منظوم ارائه گردیده، به سبب ضعف تألیف و زبان و بیان غیر شاعرانه، تنها از جهت مایه‌داستانی می‌تواند مورد نظر قرار گیرد و این درست همان چیزی است که کیانوش ایراد می‌گیرد

یا در کوه یا در دشت...  
 مهینه و مهینه  
 مهین نازنینه ...  
 من که از گل بهترم  
 پسر، من پسر،...

### تکرار و تکریر

تکرار یک کلمه یا عبارت و حتی بخشی از یک شعر و قصه در متن، علاوه بر تقویت وجه موسیقایی کلام و ریتم آن، به بازی‌های کلامی تعلق دارد که خود برخاسته از دنیای کودک و کودکی دنیاست. اصولاً در اصوات و صداهای طبیعت، در کارآواها و حتی در آغاز تکلم کودکان، با تکریر سروکار داریم: هوهو، شرشر، فاقا، نی‌نی، قورقور، قذقد، میومیو، جیک‌جیک، تق‌تق، جرینگ‌جرینگ و ...

تکریر در شعر کودک، جایگاه ویژه‌ای دارد. هم از این روی است که در موفق‌ترین شعرهای یمینی شریف، بیش از هر چیز تکریر را می‌یابیم:

بید جوانه زده  
 دانه به دانه زده  
 بر سر هر بند، بند  
 برگ زبانه زده

هفت و هشت، هفت و هشت  
 رفتم رشت، رفتم رشت  
 شب تا روز، روز تا شب



دنگ دنگ دنگ می‌زنم

بر سینه‌ام سنگ می‌زنم

می‌رویم سبزه به در سبزه به در

دسته به دسته دسته به دسته

می‌بریم بار و بنه بار و بنه

بسته به بسته، بسته به بسته

من که به این قشنگی‌ام

با پر و بال رنگی‌ام

یکه خروس جنگی‌ام

قوقولی قوقو...

قدقدقا قدقدقا

آی بچه‌ها، آی بچه‌ها

شد ابر پاره پاره

چشمک بزن ستاره...

یک و دو، یک و دو

قیمت جان شده جو

باران می‌آد

شر شر شر

جوی‌ها شده

پر پر پر

آب می‌کنه

گر گر گر

سیل می‌کنه

غر غر غر

مورم و دانه می‌برم

دانه به لانه می‌برم

قد قد قدا قدقدقا

آی بچه‌ها، آی بچه‌ها

دنگ دنگ دنگ می‌زنم

بر سینه‌ام سنگ می‌زنم

زنگ زنگ زنگ می‌زنم

زنگ خوش آهنگ می‌زنم

### صداهای طبیعت

صداهای طبیعی (افکت)، از چیزهایی است که

دنایای تخیلی کودکان را لبریز می‌کند. برای همین،

در نخستین سالیان کودکی، کوشش می‌شود

کودکان با صدای طبیعت، صدای باد، آب و برگ و

صدای پرندگان آشنا شوند.

بدیهی است که افکت، در رنگین کردن موسیقی

کلام و نیز لبریز کردن جهان خیال کودکان بسیار

مؤثر است.

### واج آرایی

در یک عبارت شعری، گاهی صدایی یا صداهایی

را تکرار می‌کنند که بر موسیقی کلام مؤثر واقع

می‌شود. در شعر کودک نیز واج‌آرای، به زیبایی

کلام مدد می‌رساند.

به همین سبب، اغلب شاعران (چنان که در

شعرهای بیمینی شریف هم می‌بینیم) ناخودآگاه

از صدای طبیعت، برای گفت‌وگو با کودکان بهره

می‌جویند:

سوسکه می‌گه: جیر جیر

کرده گلوم، گیر گیر

یکی دیگر از علل دل‌نشینی کودکانه‌های

بیمینی شریف، تکرار صداها در عبارات شعری

است. در بازی‌ها و ترانه‌های عامیانه و حتی در

عبارت‌های بی‌معنی کودکان، از واج‌آرای زیاد

استفاده شده است:

## اغلب شاعران (چنان که در شعرهای یمینی شریف هم می بینیم) ناخودآگاه از صدای طبیعت، برای گفت و گو با کودکان بهره می جویند

قالب مثنوی است:  
مورم و دانه می برم  
دانه به لانه می برم  
جالب است که او قالب غزل را حتی برای  
خردسالان به کار می برد و خواننده شعر هیچ گونه  
عدم تناسبی در قالب و محتوای شعر نمی بیند؛  
هم چون شعرهای افتادم زمین، مهینه و مهینه،  
شب عید، کتاب. برای مثال:

من یار مهربانم  
دانا و خوش بیانم  
گویم سخن فراوان  
با آن که بی زبانم  
پندت دهم فراوان  
من یار پند دانم  
من دوستی هترمند  
با سود و بی زیانم  
از من مباش غافل  
من یار مهربانم

اتک متک توتکچه  
اتل متل توتوله  
آنی، اونی، گفتانی  
گرگم و گله می برم ...

دنگ دنگ می زنم  
به سینه ام سنگ می زنم

سبزی بیار سیر بیار  
سبب و سماق گیر بیار

**ترجیع بند**  
اگر به قاعده مورد استفاده قرار گیرد، به سبب  
بند گردان و تکرار و ترجیح، می تواند یکی از  
مناسب ترین قالب های شعر کودک باشد. در  
شعرهای یمینی شریف، از این قالب استفاده  
زیادی شده است:

شد ابر پاره پاره  
چشمک بزن ستاره  
کردی دل مرا شاد  
تابان شدی دوباره  
دیدي که دارمت دوست  
کردی به من اشاره  
چشمک بزن ستاره  
شد ابر پاره پاره ...  
شاعر گاهی قالب ترجیع بند را تغییر می دهد

مورم و دانه می برم  
دانه به لانه می برم

سوسکه می که جبر جبر  
کرده گلوم گیر گیر

فکر می کنی این کار خوبه  
کشیدن سیگار خوبه

### تنوع در کاربرد قالب شعر: مثنوی

هر چند امروزه قالب چار پاره رایج ترین قالب شعر  
کودک شده است، در شعر یمینی شریف چندان  
کاربردی ندارد. بیش ترین شعرهای این شاعر، در

و فرم تازه‌ای به آن می‌بخشد:

شد عید نوروز

عید دل افروز

در باغ‌ها باز

شد غنچه‌ها باز

سبز است و خندان

باغ و بیابان

گنجشک زیبا

گوید به گل‌ها

جیک جیک، جیک جیک

تبریک، تبریک

ما بچه‌ها هم

شادیم و خرم

در خانه با ما

مامان و بابا

شادند و خوشحال

چون نو شده سال

ساعت خوش و شاد

هی می‌زند داد

تیک تیک، تیک تیک

تبریک، تبریک

شب می‌شوی نمایان

پنهان چگونه ماند

روی سفید تابان؟...

این همه تنوع، نشان می‌دهد که عباس یمنی شریف شاعری است جست‌وجو گر که صرفاً به تأسی از پیشینیان خود نپرداخته، بلکه درصدد است از تجربه‌های خود و از آموخته‌هایش از دنیای کودکان، برای سرودن شعر مدد بگیرد.

### طنز کودکانه

شعری که پیش از باغچه‌بان و یمنی شریف، برای کودکان و در واقع دربارهٔ کودکان سروده می‌شد، شعری بود عبوس و آموزگارانه. باغچه‌بان و یمنی شریف، با گرایش به بازهای کلامی، زبان طنز به کار آوردند؛ طنزی که به گونه‌ای گره خورده بود به بازی‌های کلامی.

با این زبان طنزآمیز بود که شعر کودک، به روی کودکان ایران لبخند زد و دست دوستی به سوی‌شان دراز کرد.

در شعر یمنی شریف این طنز و شیطنت

### در سروده‌های

### باغچه‌بان، از ادبیت

### و اشرافیت شعر

### رسمی، چیزی به چشم

### نمی‌آید. به همین سبب

### نیز کودکان ایران،

### شعرهای باغچه‌بان

### را از آن خود یافتند و

### ورد زبان ساختند

همین طور با افزودن یا کاستن ابیات یا مصراع‌ی از چارپاره، از آن قالب دیگری می‌سازد:

ای ماه آسمانی

امشب شدی کمانی

می‌آورد به دل‌ها

نور تو شادمانی

شب‌ها مکن فراموش

ما را ز پاسبانی

روز از تمام چشمان

خود را کنی تو پنهان

خواهی تو را نبینند

کودکانه، هر جا که بازی‌های کلامی آشکار می‌شود، چشمگیر است و هر جا که محتوای آموزشی بر آن غلبه می‌کند، رنگ می‌بازد:

مهینه و مهینه  
 مهین نازینه  
 بالای چشمش ابروست  
 اما نگو چنینه  
 سر به هوا گرفته  
 پاهاش روی زمینه  
 آن دختری که هر چیز  
 جای خودش می‌چینه  
 پاک و تمیز و خوبه  
 همینه و همینه

یکی دیگر از  
 علل دل‌نشینی  
 کودکانه‌های یمینی  
 شریف، تکرار صداها  
 در عبارات شعری  
 است. در بازی‌ها و  
 ترانه‌های عامیانه و  
 حتی در عبارت‌های  
 بی‌معنی کودکان، از  
 واج‌آرایی زیاد استفاده  
 شده است

### هیچانه‌ها

ما نمی‌دانیم شغال الملک که شاعر در مقدمه نیم قرن در باغ شعر کودکان از او یاد می‌کند، چه سروده‌هایی می‌گفته، اما از تأثیری که بر یمینی شریف کودک داشته، پیداست که بازی‌های کلامی و مایه‌های فولکلوریک و زبان و بیان طنزآمیزی در شعرهای او بوده است. شیفتگی شاعر به بازی‌های کلامی، از نوع مهملات و هیچانه‌ها که در خردسالی، از زبان کودکان و یا بزرگ‌ترها می‌شنیده، بی‌شک او را در مسیر رسیدن به شعر مناسب کودکان رهنمون بوده است. خودش می‌گوید: «شعرهای بی‌معنی که مایه آن‌ها فقط کلمات آهنگین و وزن‌های دلنشین بود، چنان در من و در بچه‌های دیگر اثر داشت که با یک بار شنیدن آن‌ها را یاد می‌گرفتم؛ مانند:

اتک متک توتکچه  
 سم، رم پالونچه  
 میخ ملخ سازاده  
 تپ، توپ، کناره  
 آئی، اونئی، گفتانی

چین، چون به رفتن

آتکان واتکان پی گیتکان.

در این بازی‌های کلامی که از آن‌ها می‌شود به هیچانه یا مهملات یاد کرد، معنی چندان جایی ندارد. در این بی‌معنایی چیزی نهفته است که گیر است. راز دل‌نشینی این گونه عبارت‌ها برای کودکان، در پیوندهای آوایی کلام است که با ریتمی مشخص می‌آید. این بی‌معنایی، جهان شعر کودک و کودکی شعر هم‌آواست. رازی از جادوی زندگی در آن نهفته است. هیچانه در بی‌معنایی، از معنایی به نام زندگی و حرکت بهره دارد و در واقع معنی خود را در بی‌معنایی خود و راز آمیزی درون کلام می‌جوید.

چندی پیش، بعد از ده‌ها سال بی‌خبری، با شکوه قاسم نیا محض احوال‌پرسی، تماس تلفنی برقرار شد که همین تماس، سرآغاز و سبب خیری شد در شعر کودک. قرار شد شاعران کودک، با همه گرفتاری‌ها و احیاناً اختلاف نظرهایی که دارند، گاهی گرد هم آیند و چنین شد که «خانه

که به طور حرفه‌ای به شعر کودک پرداخته و در کنار فعالیت‌های گسترده‌اش، آثار قابل توجهی از شعرهای بلند و کوتاه، برای کودکان ایران از خود بر جای گذاشته است. برخی از این شعرها به اعتبار مضمون‌های ملی و میهنی و بازی‌های کلامی که در آن‌ها وجود دارد، هنوز هم مورد پسند کودکان و ورد زبان آنان است.

راز این موفقیت را علاوه بر کودکانگی شعرها و تعلق آن به دنیای کودک، باید در پشتکار شاعر و کوشش‌هایش در جهت راه یافتن شعرهایش به کتاب‌های درسی دانست.

در چشم‌انداز شعر کودک، عباس یمینی شریف، شاعری است که با کوشش‌های فراوان و پشتکار زیاد و نیز علاقه و دلبستگی‌اش به دنیای کودکان، توانسته است راه به دنیای رنگین آنان پیدا کند. اما در آسیب‌شناسی شعر او، شاعری را در دو راهه سنت و تجدد می‌یابیم که هم‌چون اسلاف خود، شعر کودک را ابزاری برای آموزش کودکان می‌پندارد و از این رهگذر، آموزه‌های رایج اخلاقی را با زبانی مستقیم و شعارگونه و گاه کلیشه‌وار، به شعر کودک تحمیل می‌کند؛ گزندی که تا به امروز در شعر کودک دامنه‌گسترده و چه بسا موجب سوء استفاده‌های بسیاری در تولید و نشر کتاب‌های شعر کودکان گردیده است. با این همه، هر گاه یمینی شریف با تکیه بر بازی‌های کلامی و طنزکودکانه‌اش، توانسته است خود را از چنبره محتوای آموزشی شعر بیرون بکشد، به همان نسبت شعر او درخشیده است. بی‌تردید زیباترین و مورد پسندترین شعرهای او را هم باید از این دست شعرها برشمرد. شعری که می‌خواهد لذت زیستن را به کودک بچشاند و از کلیشه‌های آموزشی رخ برمی‌تابد؛ یعنی شعر امروز کودک.

**این همه تنوع، نشان می‌دهد که عباس یمینی شریف شاعری است جست‌وجو گر که صرفاً به تأسی از پیشینیان خود نپرداخته، بلکه در صدد است از تجربه‌های خود و از آموخته‌هایش از دنیای کودکان، برای سرودن شعر مدد بگیرد**

شعر کودک «بنیان گرفت و اکنون کوشش ما برای پر کردن به اصطلاح جاهای خالی در پهنه شعر کودک است و در این کار، تجربه‌های جالبی داشته‌ایم؛ از جمله توجه به «هیچانه». نمونه‌ای از هیچانه‌هایی که در این جریان به بار آمده، هیچانه نگارنده است که می‌خوانید:

لینگا، لینگا ددیی

هاپو، پیشی بیعی

قد قد قد جا جا جوجو

قوقولی قو، بق بقو

بابا تاتی قاقایی

مامان مه‌مه، لالایی...

(اسدالله شعبانی، خرمن شعر خردسالان)

**یمینی شریف در چشم‌انداز شعر کودک**

عباسی یمینی شریف، نخستین شاعر کودک است